



36 سالگی انقلاب و انقلابی‌های انقلابی تر از انقلابی‌ها.

مردم باید از خود سوال کنند کسانی که در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سکوت را در دستور کار خود قرار داده بودند چرا امروز، سینه چلک انقلاب شده‌اند و همه را متهم به غرب زدگی و پیاده شدن از قطار انقلاب می‌کنند؟

در حالی 36 سالگی انقلاب اسلامی را جشن می‌گیریم که سپهر سیاست ایران طی این سال‌ها شاهد حضور سیاستمدارانی بود که پس از حضور در ارکان قدرت، از چرخه حاکمیت در ایران کنار رفته و یا کنار گذاشته شدند؛ دهه اول و دهه چهارم انقلاب اما، سال‌هایی است که به خوبی می‌توان این معنا را در آن مشاهده کرد.

سال‌های اول انقلاب به دلیل اختلاف نظرهای سیاسی میان چهره‌های ملی مذهبی با برخی روحانیون و همچنین کارشکنی‌های بزرگ برخی از انقلابیون، زمینه اولین حذف‌های سیاسی ایران بعد از انقلاب را رقم زد.

مهندس بازرگان به عنوان نخستین نخست‌وزیر انقلاب به دلیل اختلاف نظرهایی که در نحوه اداره کشور بعد از انقلاب با امام خمینی و روحانیون سرشناس نتوانست دولت موقت را به سرانجام برساند و

مجبور شد کارش را با استعفا به پایان برساند.

در کنار بازرگانان، بنی صدر و صادق قطب زاده اما مسیر متفاوت را طی کردند و آن هم کارشکنی در مسیر انقلاب مردم ایران بود که زمینه ساز بحران‌های مهمی در کشور شد. بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور ایران و قطب زاده به عنوان یکی از کارگزاران جمهوری اسلامی. این دو سیاستمداری که در روزهای انقلاب، کنار امام خمینی در پاریس حضور داشتند، نتوانستند بعد از انقلاب در کنار امام خمینی بمانند و از مسیر انقلاب خارج شدند و به همین واسطه از صحنه سیاسی ایران کنار گذاشته شدند.

36 سالگی انقلاب و انقلابی‌های انقلابی‌تر از انقلابی‌ها

این سیاستمداران مکلا به دلایلی که تاریخ آن را روایت کرده است از صحنه سیاسی حذف شدند، اما در کنار این افراد بعد از حدود سی سال بازهم قلم قرمز بر روی نام برخی از انقلابیون کشیده شده است. این انقلابیون اما دو تفاوت بزرگ با بازرگانان، بنی صدر و قطب زاده دارند و آنهم این است که اولاً این افراد نه خود خواسته بلکه به زور و طبق نظر افراد از انقلاب جدا شده‌اند و ثانیاً این افراد جملگی از روحانیون سرشناس کشور طی سال‌های گذشته هستند.

بعد از ظهور جریان فکری محمود احمدی نژاد و جبهه پایداری در کشور، طرز تفکری حاکم شد که تلاش کرد میان نیروهای انقلابی خط قرمزی بکشد و با این خط قرمز بگوید این افراد انقلابی هستند و این اشخاص انقلابی نیستند. این جریان سیاسی برای اجرای این تفکر خود تلاش کرد تا چهره این بزرگان را غیرانقلابی و به دور از اندیشه امام نشان دهد؛ مناظره سال 88 میان میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد به خوبی خود بیانگر همین معناست.

در حالی که باید گفت فاصله گرفتن نیروهای اصیل انقلاب از مردم، مهم ترین خواست این جریان‌های سیاسی بود تا بتوانند از این طریق اهداف خود را در کشور پیاده کنند از سوی دیگر، تلاش برای خارج کردن نام هاشمی رفسنجانی، ناطق نوری، سید محمد خاتمی و ... نیز حاوی یک پیام مهم برای مردم بود، چرا که این افراد به عنوان نیروهای معتدل در کشور شناخته می شوند، کسانی که می‌توانند ترمز تدروی در کشور را بکشند و جریان‌ات نوظهور سیاسی به همین دلیل به دنبال حذف تدریجی آنها از قدرت هستند؛ آنها معتقدند هاشمی و دوستانش همچون بازرگانان از مسیر انقلاب خارج شده و باید طرد شوند و این درحالی است که هاشمی و ناطق نوری از نزدیک ترین افراد به مقام معظم رهبری هستند.

همانطور که مشاهده می‌شود، انقلابیون که از انقلابی‌های ابتدای انقلاب هم انقلابی‌تر شده‌اند در تلاش هستند تا با تفکر تدریجی خود مسیر عقلانیت در کشور را مسدود و مسیر تدریجی را باز کنند. اما نباید فراموش کنیم که امام و رهبر معظم انقلاب همیشه بر عقلانیت و اعتدال تاکید کرده‌اند.

مردم باید از خود سوال کنند کسانی که در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سکوت را در دستور کار خود قرار داده بودند چرا امروز، سینه چلک انقلاب شده‌اند و همه را متهم به غرب زدگی و پیاده شدن از قطار انقلاب می‌کنند؟ چرا جریانی در تلاش است این نظریه را در جامعه نهادینه کند که یاران دیرین امام از انقلاب فاصله گرفته‌اند؟

برای پیدا کردن پاسخ این سوال‌ها بهتر است برگ‌های تاریخ انقلاب اسلامی را ورق بزنیم و متوجه شویم انقلابی و انقلابی‌نماها چه کسانی هستند.